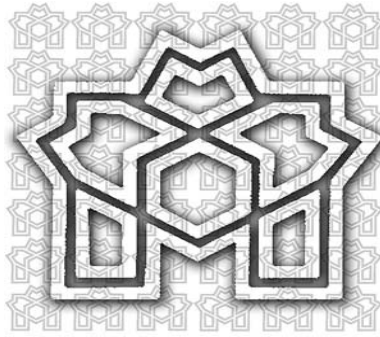


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سنة ١٤٤٠ هـ



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده حقوق و علوم سیاسی
پایان نامه برای دریافت کارشناسی ارشد حقوق عمومی

عنوان:

اعمال اصل دادرسی عادلانه در دیوان عدالت اداری

استاد راهنما:

دکتر ناصر علی منصوریان

استاد مشاور:

دکتر ولی رستمی

نگارنده:

جواد فتحی

زمستان 1388

تقدیر:

تشکر بی پایان از استاد فرزانه ام ، جناب آقای دکتر ناصر علی منصوریان که با راهنمایی های خود بنده را در تقریر این پایان نامه هدایت فرمودند.

همچنین از استاد ارجمندم، جناب آقای دکتر ولی رستمی که با نظرات ارشادی خود مرا راهنمایی نمودند نیز کمال سپاس را دارم .

ضمناً از استاد بزرگوار و گرانقدر داوری، جناب آقای دکتر جواد کاشانی که در رفع نقایص پایان نامه نهایت لطف و عنایت را نسبت به بنده مبذول داشته اند، کمال قدردانی را می نمایم.

Abstract:

Administrative Justice of the specialized agencies (judicial office) is under the authority of main judicial control and governmental regulations and Ayatullah guarantee the right of citizens rights agents, units and Standards and directive public and judicial authorities and network is responsible for judicial administration and the law and procedures of the unit and contains the principles that ensure observance is an administrative fair hearing is necessary. The rule of law and due course of law based reference capacitate people Aradh Brdarndh principles and justice in fair proceedings are administrative and work as a tool for life and water and oxygen are the administrative judicial institution.

This study analyzed primary and how they fair in the Court of Administrative Justice in two parts (fair hearing: concepts and criteria) and (explaining the principle of fair hearing and right to the Court of Administrative Justice) deals.

چکیده:

دیوان عدالت اداری یکی از نهادهای تخصصی (قضایی اداری) زیر مجموعه قوه قضائیه می باشد که وظیفه اصلی کنترل قضایی مقررات دولتی و تضمین و احقاق حق حقوق شهروندان را در برابر مأمورین، واحدها و آئین نامه ها و بخشنامه های دولتی و مراجع قضایی و شبه قضایی اداری بر عهده دارد و بر این اساس وجود قانون و آئین دادرسی واحد و در برگیرنده اصولی که متضمن رعایت یک دادرسی منصفانه اداری باشد لازم و ضروری است. پس حاکمیت قانون و البته قانونی که ناشی از مرجع صلاحیتدار مبتنی بر اراده مردم و نیز در بردارنده اصول عدالت اداری و دادرسی منصفانه باشد به عنوان ابزار کار و آب حیات و اکسیژن این نهاد قضایی اداری می باشد.

این پژوهش به تحلیل و بررسی اصل دادرسی عادلانه و چگونگی عملکرد آنها در دیوان عدالت اداری طی دو بخش، (دادرسی عادلانه: مفاهیم و معیارها) و (تبیین اصل دادرسی عادلانه در قانون و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری) می پردازد.

فهرست مطالب

عنوان صفحه

چکیده

1	مقدمه:
1	الف) بیان مسئله
2	ب) اهداف تحقیق:
2	پ) سوابق تحقیق:
2	ت) روش تحقیق:
3	ث) سؤال تحقیق:
3	ج) فرضیه تحقیق:
3	چ) سازماندهی تحقیق:
5	بخش اول - دادرسی عادلانه : مفاهیم و معیارها
8	گفتار اول: مفهوم دادرسی عادلانه
13	بند اول - مفهوم دادرسی
15	بند دوم - مفهوم عادلانه
16	الف - عدالت
17	ب - انصاف (Fairness)
22	بند سوم - محاکمه عادلانه (fair trial)
25	گفتار دوم- معیارهای دادرسی عادلانه
25	بند اول - معیارها و تضمینات نهادی (عمومی)
25	الف - قانونی و صالح بودن دادگاه
26	اول : قانونی بودن دادگاه
28	دوم - صلاحیت دادگاه :
29	ب - استقلال و بی طرفی
30	اول - استقلال
34	دوم - بی طرفی
34	1- مفهوم بی طرفی

36	2 - بی طرفی دادگاه
37	3 - بی طرفی قضات
39	بند دوم- اصول شکلی (حقوق دفاعی)
39	الف- اصل براءت
40	ب - اصل علنی بودن دادرسی
40	اول - مفهوم و جایگاه اصل علنی بودن
43	دوم - قلمرو اصل علنی بودن محاکمه
43	سوم - استثناءها و محدودیت‌های استماع علنی:
45	پ - اصل برابری سلاح‌ها (اصل برابری امکانات دفاع)
45	اول - مفهوم اصل برابری
46	دوم - آثار اصل برابری
49	ت - اصل سریع بودن دادرسی
50	ث - اصل مهلت کافی دفاع
51	ج - اصل محاکمه حضوری (استماع)
52	چ - حق انتخاب وکیل
52	اول - انتخاب وکیل
53	دوم - رفتار حرفه‌ای وکیل
53	ح - حقوق مرتبط با ادله اثبات (مستند و مستدل بودن رأی صادره):
54	خ - تجدید نظر خواهی
54	اول - حق تجدید نظر خواهی
56	دوم - دلایل و مبانی تجدید نظر خواهی
57	سوم - نتیجه تجدید نظر خواهی
60	بخش دوم- تبیین اصل دادرسی عادلانه در قانون و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری...
60	گفتار اول- کلیات
60	بند اول- سیر تحولات دادرسی اداری در نظام حقوقی ایران
66	بند دوم- لزوم رعایت دادرسی عادلانه در دادرسی اداری:
70	گفتار دوم: قانون و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری از منظر دادرسی عادلانه
70	بند اول- بررسی اصل دادرسی عادلانه در قانون دیوان عدالت اداری
70	الف- معیارها و تضمینات نهادی (عمومی):

70	اول - دسترسی به دادگاه صالح و قانونی:
71	دوم - استقلال دادگاه و قاضی:
73	سوم - اصل بی طرفی قاضی:
75	ب - اصول شکلی (حقوق دفاعی)
75	اول - اصل برائت
76	دوم - اصل برابری سلاحها (اصل برابری امکانات دفاع):
77	سوم - اصل سریع بودن دادرسی:
78	چهارم - اصل مهلت کافی دفاع:
79	پنجم - اصل برخورداری از نماینده قانونی:
81	ششم - حق تجدیدنظرخواهی (اصل امکان اعتراض به آرای صادره):
85	هفتم - اصل مستدل و مستند بودن آرای صادره از محاکم:
87	بند دوم - بررسی اصل دادرسی عادلانه در آیین دادرسی دیوان عدالت اداری
87	الف - معیارها و تضمینات نهادی (عمومی)
87	اول - اصل استقلال دادگاه و قاضی
88	دوم - اصل بی طرفی
89	ب - اصول شکلی (حقوق دفاعی)
89	اول - اصل برابری سلاحها
91	دوم - اصل مهلت کافی دفاع:
92	سوم - اصل برخورداری از نماینده قانونی:
93	چهارم - اصل مستدل و مستند بودن آرای صادره از محاکم:
96	پنجم - حق تجدیدنظرخواهی (اصل امکان اعتراض به آرای صادره):
101	نتیجه گیری:
104	منابع:
	پیوست ها
112	قانون دیوان عدالت اداری
125	آئین دادرسی دیوان عدالت اداری
141	آیین نامه اجرائی شوراهای حل اختلاف تخصصی دیوان عدالت اداری
146	لایحه آئین دادرسی دیوان عدالت اداری

مقدمه:

الف) بیان مسئله

اصل قدرت، عنصر اساسی استقلال حقوق عمومی است، اما در عین حال صلاحیت اداره در انجام اعمال، بایستی منطبق با قانون باشد. نهادینه شدن حاکمیت قانون، سبب جلوگیری از گرایش دولت به سمت خودکامگی و توسعه فرهنگ قانون‌گرایی و حفظ حقوق و آزادی‌های شهروندان می‌گردد. بنابراین باید تضمینی وجود داشته باشد که دولت فراتر از قانون عمل ننماید و افراد بتوانند به صورت آزادانه و عادلانه به احقاق حق خود بپردازند. از این رو مطابق اصل 173 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور رسیدگی به شکایات و تظلمات مردم از دستگاه دولتی، دیوان عدالت اداری تأسیس گردید (نظارت قضایی بر اعمال اداره) بررسی حدود صلاحیت، ساختار سازمانی، نحوه رسیدگی، صدور حکم و اجرای حکم در دیوان عدالت اداری، تحت عنوان دادرسی اداری قرار می‌گیرد.

همچنین، امکان دسترسی به شعب دیوان، علنی بودن رسیدگی، امکان تجدیدنظر خواهی، و... از جمله مسائل مهم مربوط به دادرسی در مرجع یاد شده می‌باشد، که تبیین آنها در چارچوب اصول دادرسی عادلانه مورد بحث قرار می‌گیرد. این مهم در وهله اول مستلزم شناسایی دقیق نظام رسیدگی مورد بحث و تبیین مشخصات دقیق ساختار تشکیلاتی و تشریفات دادرسی موصوف است و برای تحلیل اصل دادرسی منصفانه در مورد آنها نیز بایستی جنبه‌های مختلف شناخته شده دادرسی منصفانه را شناسایی و تبیین، سپس با توجه به ویژگی‌ها و قواعد حاکم بر دادرسی دیوان عدالت اداری، نحوه اعمال آن را نقد و تحلیل نمود.

(ب) اهداف تحقيق:

سعی بر آن است تا ضمن بررسی دادرسی دیوان عدالت اداری، اصول کارآمد و عادلانه را تبیین نموده و راهکارهایی در جهت رفع مشکلات و نواقص ارائه گردد.

(پ) سوابق تحقيق:

در سال‌های اخیر بحث دادرسی عادلانه و منصفانه در محاکم بصورت جدی مطرح شده است. اما مهم‌ترین منابعی که در این پایان‌نامه از آنها بهره گرفته شده است، عبارتند از: (کلی، جان، تاریخ مختصر تئوری حقوق در غرب، ترجمه محمد راسخ) از آن جهت که به مبانی قانونگذاری عادلانه پرداخته است، (ویز برودت، دیوید، دادرسی عادلانه، ترجمه فریده طه و لیلا اشراقی) به جهت برشمردن تمامی اصول دادرسی عادلانه، (و فضایی، مصطفی، معیارها و تضمین‌های محاکمه عادلانه در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی، پایان‌نامه دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه شهید بهشتی) از آن حیث که به ریشه‌یابی اصول دادرسی عادلانه اشاره کرده است.

(ت) روش تحقيق:

در بخش اول پایان‌نامه (دادرسی عادلانه: مفاهیم و معیارها) تحقیق حالت توصیفی دارد ولی در بخش دوم پایان‌نامه (تبیین اصل دادرسی عادلانه در قانون و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری) تحقیق حالت تحلیلی دارد.

ث) سؤال تحقیق:

آیا در رسیدگی دیوان عدالت اداری، اصول دادرسی عادلانه اعمال می‌گردد؟

ج) فرضیه تحقیق:

در پرتو لزوم عادلانه بودن هر نوع دادرسی در هر مرجع رسیدگی به دعاوی، قواعد ناظر بر اصل دادرسی عادلانه نیز، به طور نسبی در دادرسی دیوان عدالت اداری اعمال می‌گردد.

چ) سازماندهی تحقیق:

این تحقیق از دو بخش تشکیل شده است. در بخش اول تحت عنوان (دادرسی عادلانه: مفاهیم و معیارها) طی دو گفتار به تبیین مفهوم دادرسی عادلانه و معیارهای دادرسی عادلانه در دو بند، معیارها و تضمینات نهادی و حقوق دفاعی پرداخته می‌گردد. در بخش دوم تحت عنوان (تبیین اصل دادرسی عادلانه در قانون و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری) ابتدا به تبیین دادرسی اداری پرداخته، سپس مؤلفه‌های دادرسی عادلانه در قانون و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

بخش اول

دادرسی عادلانه:

مفاهیم و معیارها

بخش اول - دادرسی عادلانه : مفاهیم و معیارها

دادرسی عادلانه یکی از مهم ترین ضرورت های جامعه دموکراتیک و محورهای پذیرفته شده جهانی حقوق انسانی است. حق ها و معیارهای زیادی باید رعایت شوند تا بتوان از وجود یا تحقق دادرسی عادلانه یا منصفانه سخن به میان آورد.¹

قبل از اینکه به اصول دادرسی عادلانه بپردازیم لازم است که این مفهوم را ابتدا توضیح دهیم.

اصول دادرسی عادلانه در واقع اصولی است که ریشه در مفهوم عدالت دارد و عدالت خود مفهومی متنازع فیه است که تعبیر زیادی از آن شده است. با این حال یکی از جلوه های عدالت، عدالت قضایی است. در حوزه عدالت قضایی به ویژه در نظام کامن لا اصطلاحی وجود دارد به نام " عدالت طبیعی " که این اصطلاح از آنجا ناشی شده است که مردم اعتقاد داشتند که طبیعت عادلانه رفتار می کند و مجازات هایی از قبیل گذر کردن از آتش که در گذشته برای اثبات بی گناهی مرسوم بوده است، ناشی از همین تفکر و اعتقاد بوده که طبیعت بصورت منصفانه قضاوت می کند . لذا اگر فرد بی گناهی را آتش بسوزاند، به این مفهوم است که او گناهکار است. این تصور ابتدائی از عدالت و بی طرفی طبیعت در قضاوت ها، کم کم وارد نظام حقوقی شد.

عدالت طبیعی اصولاً دو اصل بنیادین دارد. اصل اول، اصل " حق دفاع " است و بدین معنی است که اگر کسی می خواهد در رابطه با یک فرد قضاوت نماید باید به او فرصت دفاع کردن

1- محمد حسن، ضیایی فر- " حق برخورداری از وکیل یا مشاور حقوقی در مرحله تحقیقات مقدماتی ؛ با تأکید بر رویه دیوان اروپایی حقوق بشر " نشریه حقوق اساسی، سال چهارم، شماره 8، تابستان 1386، ص 419.

بدهد. اصلی در کامن لا وجود دارد با این مضمون که : " حرف طرف دیگر را بشنو" یا " حرف دو طرف را بشنو".

لازمه قضاوت منصفانه این است که ما فرصت را در اختیار کسی قرار دهیم که می‌خواهیم در مورد او قضاوت کنیم . او باید بتواند به نحو شایسته‌ای از خود دفاع کند و بعد راجع به او قضاوت کنیم.

اصل دوم، " اصل بی طرفی " است که ریشه آن در توجهی است که مردم در گذشته به طبیعت داشته‌اند و معتقد بودند که طبیعت بی طرفانه قضاوت می‌کند . با توجه به اصل دوم هرگونه قضاوت منصفانه مستلزم بی طرفی و نفی هرگونه جانبداری است. مردم در صورتی می‌توانند به منصفانه بودن و عادلانه بودن یک قضاوت اتکا و اعتماد کنند که این قضاوت توسط نهاد یا شخصی صورت بگیرد که بی طرف باشد. عبارتی در نظام کامن لا وجود دارد به این مضمون که : " کسی حق ندارد در رابطه با چیزی قضاوت کند که در آن ذینفع است" یا " هیچکس نمی‌تواند قاضی اعمال خود باشد".

زیرا به محض اینکه ذینفع بودن یک فرد در یک موضوع مطرح باشد در واقع شائبه جانبداری وی را می‌توان پیش بینی کرد.

این دو اصل مبنا قرار گرفته‌اند و به مرور به مفهومی به نام دادرسی عادلانه تبدیل شده‌اند.

گفتار اول:

مفهوم دادرسی عادلانه

گفتار اول: مفهوم دادرسی عادلانه

همانگونه که گفته شد، مبنای دادرسی عادلانه، مفهوم عدالت طبیعی است. با این حال تعریف دقیق و روشن از واژه ترکیبی عدالت طبیعی ارائه نشده است. باید توجه داشت که عبارت یا واژه عدالت طبیعی صرفاً در معنا و مفهوم مناسب حقوقی خود مورد استفاده قرار می‌گیرد و نباید معانی و مفاهیمی که از ظاهر الفاظ آن به ذهن می‌رسد، ما را به اشتباه بیاندازد.

در هر صورت، وجهه تسمیه و مفهوم عدالت طبیعی را می‌توان در دو فراز زمانی مجزا که ناظر به دو دوره معین تاریخی (دوره تاریخی مقدم یعنی دوره باستان و دوره تاریخی موخر یعنی قرون اخیر) می‌باشند مورد توجه قرار داد.

بر این اساس، " عدالت طبیعی " متضمن این معنا است که طبیعت بهترین و شایسته ترین عامل تأمین کننده عدالت در فرایند قضاوت می‌باشد. یا به بیان ساده تر طبیعت بهترین قاضی و بهترین تأمین کننده عدالت است و بدین ترتیب، در واقع می‌توان قضاوت را به طبیعت و عناصر آن (آب، باد، خاک، آتش) واگذار نمود.

در دوره نظام دادرسی باستان، که به نظام دادرسی اوردالی یا آزمایش الهی موسوم می‌باشد . شاهد انجام رسیدگی‌های قضایی مبتنی بر مفهوم اولیه عدالت طبیعی هستیم که نمونه‌هایی از آن را در ادامه ذکر می‌نمائیم¹.

در یکی از روش‌ها با پرت کردن فرد متهم از یک پرتگاه به پایین، در صورتی که پس از افتادن و برخورد به زمین زنده می‌ماند بی گناهی وی احراز می‌شد و در غیر این صورت، با

1- محمد صالح، ولیدی، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات سمت، جلد اول، 1374 ص 289

احراز گناهکاری و مجرمیت وی، مجازات نیز در واقع با کشته شدن وی در اثر برخورد به زمین اجرا می‌شده است.

در روشی دیگر، با انداختن شخصی که اتهام به وی منتسب شده است به درون آتش در صورت نسوختن اعضای بدن وی بی گناهی وی اثبات می‌گردید، در غیر این صورت مشخص می‌شد که وی گناهکار و مجرم است.

گاهی نیز متهم را به آب می‌افکندند و چنانچه آب او را بیرون می‌انداخت مقصربود و اگر در خود فرو می‌برد او را با طنابی که به دست او بسته بودند بیرون می‌کشیدند و تبرئه می‌شد. طریق دیگر این بود که آهنی گداخته را به دست او می‌دادند که آن را به فوریت حمل کند. اگر دست او عفونت نمی‌کرد بی گناه بود و اگر عفونت می‌کرد مقصر شناخته می‌شد¹.

اما مفهوم جدید عدالت طبیعی با نقض مفهوم اولیه عدالت طبیعی موجودیت می‌یابد. با این توضیح که مفهوم جدید و تکامل یافته عدالت طبیعی که مبتنی بر موازین عقلی است، هرگز عدالت و نقض آن را در پناه محک قرار دادن عناصر بی جان طبیعت به عنوان شاخص انحصاری فرایند قضاوت و در قالب نتایج حاصله از آن، جستجو نمی‌نماید، بلکه عدالت را در همسویی و همگامی با موازین و دستورات عقلی قابل تحقق می‌داند.

بسیاری از اصول و قواعد شناخته شده در حوزه دادرسی قضایی و همچنین در رسیدگی‌های شبه قضایی، که در دوره شکل‌گیری مفهوم تکامل یافته عدالت طبیعی و طی قرون اخیر در نتیجه سیر تحول و ظهور عدالت اجتماعی بوجود آمده‌اند، به طور صحیح در راستای مفهوم عدالت عقلانی قرار دارند. بدین لحاظ به سادگی میتوان دریافت که مفهوم "دادرسی عادلانه"،

1- مصطفی، محقق داماد، " جایگاه دادرسی و قضاوت در نظام ارزشی اسلام"، همشهری، ش 3183، 13 مرداد 1379، ص 6

به عنوان محصول مورد انتظار عدالت طبیعی¹ کاملاً از دیدگاه عقل، موجه و منطقی بوده و برای تداوم بهینه و مطلوب رسیدگی‌های قضایی ضروری می‌باشد.²

با شکل‌گیری و تقویت مفهوم تکاملی عدالت طبیعی، واژه عدالت طبیعی باقی ماند، اما محتوای آن با تغییرات بنیادین و کاملی روبرو گردید. تغییر و تحول مزبور به حدی مشروعیت یافته و همچنین بروز و شیوع اثر و نتیجه آن در حوزه عقلانی بودن عدالت به گونه‌ای بوده است که به تعبیر یکی از حقوق دانان، عدالت فراتر از آن است، یا شأن و جایگاهی بالاتر از آن دارد که طبیعی باشد³؛ بلکه عدالت عقلانی است.

در اثر چنین تغییر و تحولاتی، این اندیشه تقویت شد که لزوماً باید قواعد و مقرراتی که مشروعیت عقلانی دارند بفرایند دادرسی‌های قضایی حاکم باشند.

اصول عدالت طبیعی در مفهوم رعایت حداقل ضوابط رسیدگی منصفانه، متضمن این دو اصل کلی است:

اصل " گوش فرا دادن به طرفین دعوا " یا " شنیدن دفاع طرف دیگر دعوی " ⁴.

اصل " بی طرفی، عدم منفعت قاضی و عدم تبعیض از سوی وی " ⁵

1-David . m. walker , the oxford compendium to law , NEWYORK 1980- p.p 861 - 868

2- حسنعلی، مودن زادگان، مقاله " حقوق دادخواهی و دفاع در قانون اساسی جمهوری اساسی ایران "، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، سال سوم، شماره 9، بهار 1377 ص 125

3- لازم به ذکر است که منظور از وصف "طبیعی" در بیان فوق ناظر به مفهوم اولیه عدالت طبیعی است که طی آن طبیعت و عناصر آن عهده دار قضاوت و شاخص ذی حق یا بی حق شناخته شدن یکی از طرفین رسیدگی‌های قضایی بوده اند.

⁴- The right to be heard (audi alteram partem)

⁵-The right to an impartial tribunal (nemo iuden in ye sua)

اصل اول عدالت طبیعی، ناظر به رویه و فرایند رسیدگی‌های قضایی و انتظام بخشیدن به آن در راستای تأمین عدالت و انصاف است. اصل دوم آن، به قاضی یا دادرس نحوه رویکرد او به امر دادرسی و تکالیف حاکم بر او در فرایند رسیدگی قضایی اختصاص پیدا کرده است. انتظار جامعه آن است که در قبال استقلال و اختیارات فراوانی که به قضات داده شده است که در مورد جان و مال و حقوق مردم تصمیم‌گیری نمایند، قضات نیز فقط با اتکا به دانش حقوقی خود و با پایبندی به موازین اخلاقی و درستکاری، کار خود را انجام دهند و از تأثیر دادن عوامل دیگر در تصمیم خود اجتناب ورزند. به بیان دقیق‌تر، "استقلال و بی‌طرفی قاضی" تکلیف اوست. در مقابل، این حق مردم است که از "دادرسی بی‌طرفانه" برخوردار شوند.¹

با بهره‌مندی از مباحث و توضیحات ارائه شده در مورد عدالت طبیعی و اصول آن، اینک به بررسی مفهوم دادرسی عادلانه و بازشناسی عناصر آن می‌پردازیم.

مقدمتاً قابل ذکر است که نه تنها تشکیل یک دادگاه باید مطابق با قانون و استانداردهای جهانی باشد، بلکه آیین دادرسی آن نیز باید با اصول و استانداردهای روشن و شناخته شده جهانی همراه باشد. با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی و پیدایش مفاهیم حقوقی و آزادی‌های اساسی انسان و با تشکیل دادگستری با سازمان امروزی، دیگر نمی‌توان به این بسنده کرد که قاضی شخصاً عادل باشد، زیرا عدالت و درستکاری شخص قاضی، شرط لازم و قطعی است ولی کافی نیست.

1- محسن، محبی، "استقلال قاضی، مصونیت یا مسئولیت" ماهنامه وکالت، شماره 4، آذر 1379 ص 15

رسیدگی به اختلافات نیازمند یک "دادرسی عادلانه"¹ است که مستلزم آیین دادرسی از پیش تعیین شده و یک سلسله شروط اساسی است.

این شروط در حقوق کشورهای پیشرفته به روشنی تعریف شده و به گونه دقیق در هر گونه دادرسی مدنی، کیفری، اداری و انتظامی رعایت می شود.

کمبود یا عدم رعایت هر یک از این شروط نیز موجب ابطال روند رسیدگی در مراجع قضایی بالاتر می شود.

اصول بنیادین درباره استقلال دستگاه قضایی مصوب هفتمین کنگره سازمان ملل متحد به دادرسی عادلانه توجه کرده و در بند ششم مقرر داشته است:

" اصل استقلال دستگاه دادگستری، این حق را برای این دستگاه بوجود می آورد و همچنین از او می خواهد اطمینان حاصل کند که روند دادرسی به گونه منصفانه برگزار گردیده، حقوق طرفین دعوی مورد احترام قرار گیرد"².

اصطلاح دادرسی عادلانه که معادل " Fair trial " به کار برده می شود، ترکیبی وصفی است که برای درک دقیق مفهوم آن به شناخت معنای هر یک از واژه های " دادرسی " و " عادلانه " نیاز است.

¹- Fair trial

²- سید محمود، کاشانی، " استانداردهای جهانی دادگستری؛ نقد و بررسی قانون دادگاه های عمومی و انقلاب"، نشر میزان، چاپ اول، تابستان 1383 صص 201 و 202.